

سهم بانك

اسلامى از

سود مضاربه

که فرض کردیم ۲۰٪ در سال است؛ سهمی معادل ۵٪ تا ۷٪ تقریباً مساوی نرخ بهره بانکهای ربوی به مضاربه دهنده باید پردازد و اما سهم بانك چه می شود؟ بنظر می رسد بانك اسلامى باید حقی ثابت داشته باشد که عبارت است از تفاوت بین نرخ بهره ای که بانك ربوی می پردازد، با نرخ بهره ای که می گیرد، منهای سهم بیشتری که گفتیم به مضاربه دهنده برای جبران خسارت احتمالی می پردازد، به این ترتیب: (تفاوت نرخ بهره که بانك ربوی میدهد

بانکهای ربوی درآمدهای مختلفی دارند از جمله در آمد ربوی آنهاست که سر بجهتم میزند ، بانك ربوی به سپرده های ثابت سودی مثلاً ۵٪ می پردازد (۱) و سپس همین سپرده ثابت را با سودی معادل ۱۲٪ در اختیار مشتریان می گذارد و از این راه از پول مردم سودی معادل ۷٪ می برد بدون اینکه تمهدی در برابر وام گیرنده داشته باشد .

اکنون ببینیم بانك اسلامى از سود مضاربه چه بهره ای می برد؟ گفتیم بانك اسلامى از درآمد مضاربه

۱ - فعلاً در ایران سپرده های ثابت سودی معادل ۸٪ می پردازند .

ثابت از مشتری می‌گیرد، که هم اصل آن (از طرف بانك) تضمین شده است و هم بهره آن با نرخى معادل ۵٪ تقریباً .

۲ - سرمایه‌ای که بانك ربوی به عنوان وام در اختیار مشتری می‌گذارد که باز در این صورت هم اصل و بهره آن (از طرف مشتری) تضمین شده است با نرخى معادل ۱۲٪ (۱)

۳ - سرمایه‌ای که اصل و بهره آن در مخاطره است مانند پولی که کسی به مضاربه می‌دهد و این پول چون اصل و بهره آن در مخاطره است طبعاً بایستی سود بیشتری داشته باشد فرض کنیم ۱۵٪ .

۴ - سرمایه‌ای که اصل آن تضمین شده است ، نه بهره آن مانند پولی که برای مضاربه به بانك اسلامی سپرده می‌شود با سهم سودی تقریباً معادل ۷٪ (این نظر مؤلف محترم است که مطابق طرح ایشان بانك اسلامی سود را برای مضاربه دهنده تعیین نمی‌کند گرچه بنظر ایشان همیشه سود هست و عملاً هیچگاه نمی‌شود که تمام مضاربه‌ها زیان کند ولی بالاخره بانك تضمینی درباره سود لااقل در باره مقدار آن ندارد ولی بنظر مترجم تضمین اصل سود هم امکان پذیر است)

درست است که اسلام برای پول نقدی که بعنوان

ومی‌گیرد ۷٪ = ۵٪ - ۱۲٪

و اگر سهم اضافی را که برای جبران خسارت‌های احتمالی به مضاربه دهنده می‌پردازد ۲٪ فرض کنیم سود باقیمانده برای بانك ۵٪ می‌شود

سود ثابت بانك اسلامی ۵٪ = ۲٪ - ۷٪

ولی بنظر میرسد این مقدار سود برای بانك اسلامی کافی نباشد زیرا علاوه بر این که این مقدار از سودی که بانك ربوی می‌برد کمتر است، تعهدی نیز در مقابل «مضاربه پذیر» دارد که بانك ربوی این تعهد را ندارد و این تعهد عبارت است از تضمین سرمایه .

بانك ربوی در مقابل مشتری خویش تعهدی ندارد اگر سرمایه وام‌گیرنده تلف شود، نه تنها بانك ربوی خسارت را نمی‌پذیرد، بلکه از سود و بهره پول خود نیز نمی‌گذرد، ولی بانك اسلامی تلف سرمایه را از «مضاربه پذیر» قبول می‌کند و به حساب خود می‌گذارد، بنابراین در مقابل این تعهد و تضمین باید حقی در یافت دارد که آن حق باید معادل تفاوت نرخ سرمایه تضمین شده و سرمایه تضمین نشده (مضاربه‌های معمولی) باشد با این توضیح :

در بازارها چند رقم «سرمایه» داریم با چند رقم نرخ بهره باین شرح :

۱ - سرمایه‌ای که بانك ربوی بعنوان سپرده

۱ - بنظر ما این دو رقم سرمایه که اصل و بهره هر دو تضمین شده است دو تفاوت دارند که موجب تفاوت نرخ بهره کلان آنها شده است اولی گرچه در حقیقت وام است ولی عنوان سپرده دارد و اولی دومی واقعاً و عنواناً وام است و این تفاوت در اسم یکی از جهات ارزانی سرمایه اولی و گرانی سرمایه دومی شده دومی مالک سرمایه اولی ضعیف و وام‌گیرنده قوی است و قوی همیشه ارزان می‌خرد و گران می‌فروشد درست برعکس دومی !!

وام دادوستد می‌شود، بهره را تجویز ننموده است ولی فعلی بحث، از بازارهایی است که بر اساس رباخواری شالوده ریزی شده و بانک اسلامی نیز ناچار است در همین محیط به فعالیت خود متعهد در نقش اسلامی و با اجتناب از رباخواری ادامه دهد.

بر این اساس پولی را که بانک اسلامی تحویل مضاربه پذیر می‌دهد، پولی است که از نظر اصل و بهره هر دو در مخاطره است زیرا سرمایه را خود بانک برای مضاربه دهنده تضمین کرده و مضاربه پذیر در مقابل آن تعهدی ندارد و بهره را نیز مضاربه دهنده در مخاطره افکنده، زیرا او می‌توانست پول را به بانک ربوی بدهد، در عوض به بانک اسلامی داده تا در منافع مضاربه شریک باشد نه آنکه بهره پول بگیرد، و یک چنین پولی برای مضاربه پذیر ارزنده تر است از پولی که بانک ربوی به عنوان وام به او می‌دهد، که ناچار است اصل و بهره آنرا تضمین نماید. علیهذا برای مضاربه پذیر این پول ارزش برابر ۱۵٪ که در قسم سوم از اقسام سرمایه‌ها فرض کردیم دارد.

حق مضاربه دهنده مجموعاً ۱۲ درصد خواهد بود. اگر این مقدار را از ۱۵ درصد فوق، کم کنیم ۳ درصد باقی میماند که آن نیز حق بانک اسلامی است. این بود نظریه مؤلف محترم «البنک اللاربوی» در تقسیم سود بین سرمایه‌دار (مضاربه دهنده) و بانک ولی بنظر ما، محقق مزبور سخت کوشیده است که منافع بانک اسلامی را از هر جهت با بانک‌های ربوی تطبیق دهد. و از این جهت از حقوق بانک دفاع نموده و سهیم ۳٪ اضافه را که فوقاً به آن اشاره کردیم، به بانک اختصاص داده است در صورتیکه اگر بخوایم درآمد بانک اسلامی را هم سطح با درآمد بانک‌های ربوی قرار دهیم، از نظام بانکداری در سیستم سرمایه‌داری عملاً دفاع کرده‌ایم، آنهم از نوع کاملاً بی‌رحمانه‌اش که حتی برخی از اقتصاد دانهای بزرگی که احیاناً بانک‌داری نظیر کشور ما مسافرت کرده‌اند و از منافع بانکها و نرخ سودی که میگیرند مطلع شده‌اند، از کار آنها به «غارتگری» تعبیر نموده‌اند و راستی هم اگر غارتگری نیست پس چیست؟

اگر کمی حوصله داشته باشید و به بیلانها و ترازنامه‌هایی که بانکهای وطنی همه ساله منتشر میکنند توجه کنید؛ درخواهید یافت که درآمد سالانه غالب آنها از تمام سرمایه آنها بیشتر بوده است، بنابراین عقیده ما بر این است که مؤسسين بانک اسلامی در عین اینکه تاجرند و بایستی سود کنند، از این نکته هم نباید غافل باشند که سود باید عادلانه باشد و اگر اجازه دهند سهم بیشتری نصیب مضاربه پذیر یعنی تاجر و تولید کننده‌ای شود که بخاطر کمبود سرمایه ناچار شده است از بانک پول بگیرد، نه تنها

از این ۱۵٪ فرض کردیم پنج درصد آن حق ثابت بانک اسلامی است، از باقی مانده که ده درصد است هفت درصد آنرا نیز فرض کردیم به عنوان سهم مضاربه دهنده پرداخت می‌گردد، باقی مانده که ۳ درصد است نیز در مقابل تضمین بانک اسلامی، باید به بانک تعلق گیرد، طبق این محاسبه:

۱۵ درصد نرخ سرمایه‌ای که اصل و بهره آن در مخاطره است.

۵ درصد حق ثابت بانک اسلامی به اضافه ۷ درصد

اگر کمی حوصله داشته باشید و به بیلانها و ترازنامه‌هایی که بانکهای وطنی همه ساله منتشر میکنند توجه کنید؛ درخواهید یافت که درآمد سالانه غالب آنها از تمام سرمایه آنها بیشتر بوده است، بنابراین عقیده ما بر این است که مؤسسين بانک اسلامی در عین اینکه تاجرند و بایستی سود کنند، از این نکته هم نباید غافل باشند که سود باید عادلانه باشد و اگر اجازه دهند سهم بیشتری نصیب مضاربه پذیر یعنی تاجر و تولید کننده‌ای شود که بخاطر کمبود سرمایه ناچار شده است از بانک پول بگیرد، نه تنها

لازم باشد مقدار آنها از ۳۰٪ از مجموع کمتر نباشد بصورت تنگنهاداری کند و بقیه رادر کار مضاربه وارد سازد .

بدیهی است پولهایی را که در حساب پس انداز ذخیره می کنند . بانك می تواند با آنها معامله قرض نموده و به عنوان مالك از آنها بهره برداری نماید . بانك در این دو صورت اخیر چون شخصاً مالك مال است لذا در آمدش از مضاربه مساوی خواهد بود با سهم مضاربه دهنده به علاوه سهم خود بانك یا به عبارت دیگر اصل سود مضاربه که فرض کردیم مثلا ۲۰٪ است منهای سهم مضاربه پذیر .

بنابراین بر بانك لازم است که اولاً سهمی از منافع را به عنوان تشویق صاحبان سپرده بپهر عنوان که صلاح و مقتضی میدانند ، سالیانه به حسابهای پس انداز تقسیم نماید . تا موجب تشویق مردم به پس انداز در بانك اسلامی گردد .

و ثانیاً بر بانك لازم است برای حفظ حقوق مضاربه دهندگان یعنی صاحبان سپرده های ثابت نخست سپرده ی ثابت را به مضاربه بدهد و سپس اموال خود را به متقاضیان مضاربه بپردازد .

سهمی از وظیفه اخلاقی خویش را انجام داده و پیش خدا و وجدان خویش آسوده خواهند بود ، بلکه از نظر مال اندیشی نیز به صرفه خودشان بوده پای کمونیسم راه کشور خود باز نخواهند کرد .

بحث ما تا کنون در مورد سپرده های ثابت و چگونگی بهره برداری از آنها در سیستم بانكداری اسلامی بود ، ولی همه می دانیم بانك علاوه بر سپرده های ثابت ، اموال دیگری نیز در اختیار دارد باین شرح :

۱ - مقداری از سرمایه اصلی خود بانك که آنرا برای مضاربه دادن اختصاص داده است .

۲ - درصد معینی از حسابهای پس انداز ، چون می دانیم بانكها نمیتوانند تمام سرمایه اصلی خویش و نیز سپرده های پس انداز مشتریان را از طریق مضاربه به کار اندازند ، زیرا ممکن است هر آن صاحبان پس انداز بخواهند از پول خویش استفاده کنند . بنابراین بانك اسلامی مانند سایر بانكها از طریق کارشناسان خود ، حساب می کند مقداری از سرمایه و مقداری از پولهای حسابهای پس انداز را که شاید

دشمنانی که از دوستان سودمندترند :

امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید :

«اعداء الرجل قد یكونون انفع من اخوانه» لانهم

یهدون الیه عیوبه

دشمنان انسان گاهی از برادران او سودمندترند زیرا عیوبشان راه آنها

گوشزد می کنند!

از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید .